اخبار

پوستر عجیب و شهرت پسر ۱۱ ساله آرژانتینی

روایت کریستیانویی که می‌خواست لیونل شود

آریل سانس و ونسا، همسرش، سال ۲۰۱۱ در مادرو تصمیم گرفتند که نام کریستیانو را به یاد رونالدو برای پسرشان انتخاب کنند. یازده سال بعد، این پسر دیوانه فوتبال است و مسی را به عنوان الگویش انتخاب کرده است.

او با پوستری در دست در مقابل یکی از ساختمان‌های فدراسیون فوتبال آرژانتین ظاهر شده و به خاطر تصمیم والدینش از مسی عذرخواهی کرد. این پسر ۱۱ ساله که در حال حاضر در راسینگ توپ می‌زند به همراه مادرش گفتگوی جالبی را با سایت اوله انجام داده‌اند.

ایده پوستر چطور به ذهنیت رسید؟

ونسا: روزی که این عکس منتشر شد، من در حال بازگشت از تمرین به خانه با پسر بزرگترم بودم. همسرم پیامی فرستاد و گفت که در ساختمان فدراسیون فوتبال هستند. این موضوع برایم عجیب نبود چون آنها پیش از این به من گفته بودند که می‌خواهند مسی را ببینند. کمی پس از آن بود که پیامی از سوی خواهرزاده و دوستان دخترم دریافت کردم که می‌گفتند عکسی از کریستیانو همه جا پخش شده و آن را برایم فرستادند. در آن زمان بود که متوجه شدم. او این کار را در حال صحبت با پدرش و زمانی که از در ساختمان وارد شدند انجام داد. پیش از آن نیز بدون این که من بفهمم در این باره با خواهرم صحبت کرده بود. این خبر از طریق شبکه‌های اجتماعی به دست من رسید.

کریستیانو: این اتفاق برای من افتاد چون این نام را دارم و یکی از معدود افرادی هستم که این نام را دارم (می‌خندد). من می‌خواستم مسی را هم ببینم. از خاله‌ام خواستم که این کار را بدون اطلاع مادرم برای من انجام دهد. کمی بعد او عکس را دید و متوجه شد چون آنها عکس من در حالی که پوستر را در دست داشتم برای او فرستاده بودند.

در آخر توانستی مسی را ببینی؟

کریستیانو: متاسفانه نه.

ونسا، چطور به فکرت رسید نام او را کریستیانو بگذاری؟

من واقعا فوتبال را دوست دارم و هر بازی را نگاه می‌کنم. من همیشه عاشق فوتبال بودم. در آن زمان تبلیغ شامپویی پخش می‌شد که رونالدو در آن حضور داشت. قرار بود نام فرزندم بنجامن باشد و دو روز پیش از این که به دنیا بیاید در حال آماده کردن کمدش بودم و به صحبت این بازیکن پرتغالی در تلویزیون گوش می‌کردم. با فریاد از همسرم پرسیدم که آیا می‌توانیم نام او را کریستیانو بگذاریم و او گفت هرکاری دوست داری بکن. او نمی‌خواست به من گوش کند (می‌خندد). دو روز بعد وقتی او به دنیا آمد، من نامش را کریستیانو بنجامن گذاشتم و تمامی کسانی که برای دیدن من به بیمارستان آمدند شگفت‌زده شدند و پرسیدند چطور چنین اتفاقی رخ داد؟ هیچکس چیزی نمی‌دانست. همه چیز برای او اینطور پیش رفت.

همسرم عاشق فوتبال است اما مسی غیرقابل دسترسی است، او بهترین است. از نظر او هرکس حرف بدی درباره مسی بزند چیزی از فوتبال نمی‌داند.

آیا کریستیانو فوتبال نگاه می‌کرد؟

او از وقتی کوچک بود فوتبال بازی می‌کرد چون برادر بزرگترین هم مشغول این کار بود و همراهی‌اش می‌کرد. فوتبال همه چیز است. او هنوز راه نمی‌رفت اما توپ داشت و هرگز با چیز دیگری بازی نمی‌کرد. چند روز قبل تمرین داشت و ناراحت بود چون می‌خواست بازی پاری سن ژرمن را ببیند. سوار ماشین شد و بازی را از روی تلفنش تماشا کرد. فکر می‌کنم حدود نیم ساعت را از دست داده بود. بقیه بچه‌ها کارتون می‌بینند اما او اینطور نیست و فقط فوتبال نگاه می‌کند.

او یک سال است در تیم راسینگ حضور دارد. کارش را در ریور شروع کرد و در آنجا تمرین می‌کرد اما وقتی باشگاه جایش را عوض کرد خیلی به ما دور شد. بنابراین کریستیانو به بنفیلد رفت، یک سال در انجا بود و حالا در راسینگ است و از این موضوع رضایت دارد.

کریس، تو دوست داری نامت را لیونل بگذاری؟

من واقعا اسمم را دوست دارم اما دوست دارم نام خودم را لیونل بگذارم.

کدام ویژگی او را دوست داری؟

همه چیز، وقتی دریبل می‌زند و وقتی سرعتش را تغییر می‌دهد.

تا به حال بازی او را از نزدیک دیدی؟

نه، هنوز نه، سعی کردم در مسابقات انتخابی به ورزشگاه بروم اما نتوانستیم بلیت بگیریم.

اولین خاطره‌ات از مسی چیست؟

فکر می‌کنم اولین باری که بازی او را دیدم در جام جهانی ۲۰۱۴ بود. چیزی که به یاد دارم اما این خاطره در آخر غمگین بود.

شبیه چه بازیکنی هستی؟

آنخل دی‌ماریا یا حالا که به عنوان شماره ۹ بازی می‌کنم دوست دارم شبیه سوارز باشم.

تو طرفدار ریور هستی، الگویت کدام بازیکن است؟

پیتی مارتینز.

تمام بازی‌های مسی را می‌بینی؟

بله، چند روز قبل از خواب بیدار شدم تا بازی او را ببینم که هشت صبح برابر رن بازی داشت اما از این شکست بسیار ناراحت شدم.

گزارش تحلیلی: چرا بارسلونا مسیرش را گم کرد؟

پپ گواردیولا در طول آخرین فصل حضورش به عنوان سرمربی در تیم اول بارسلونا در سال ۲۰۱۲ گفت: "این شرایط تا ابد ادامه نخواهد داشت. دیر یا زود قهرمانی‌های ما متوقف می‌شوند. در آن زمان است که خواهیم دید آیا به مسیری که در آن هستیم و سبکی که بازی می‌کنیم ایمان داریم.»

بارسلونا در آن زمان در حالی رشد می‌کرد که عادت به پیروزی و قهرمانی داشت- آنها در طول چهار سال حضور گواردیولا روی نیمکت موفق شدند ۱۴ جام از ۱۸ جام ممکن را بالای سر ببرند که شامل دو لیگ قهرمانان و سه لالیگا بود.

همه افراد حاضر در باشگاه به دست یافتن به چنین موفقیتی با تیمی که با تکیه بر محصولات آکادمی باشگاه ساخته شده بود، افتخار می‌کردند؛ تیمی که در عین حال سبک بازی جذابی را ارائه می‌کرد که به اعتقاد آنها ریشه در دی‌ان‌ای خاص باشگاه بارسا داشت. اکنون تقریبا یک دهه از آن زمان گذشته و می‌توانیم بگوییم که قهرمانی‌های بارسلونا متوقف شده است.

آخرین قهرمانی آنها در لیگ قهرمانان در سال ۲۰۱۵ به دست آمد و تنها جام ارزشمند آنها در دو فصل گذشته یک قهرمانی در کوپا دل ری بوده است. معضل بزرگ‌تر برای بسیاری از افراد حاضر در نوکمپ این است که پیش‌بینی گواردیولا درست بود- "ایمان به مسیری که در آن هستیم و سبکی که بازی می‌کنیم" از بین رفته است.

اتلتیک با شخصیت‌های مهمی که در طول یک دهه گذشته در باشگاه کار کرده‌اند، صحبت کرده است- بازیکنان، مربیان و مدیران. بسیاری از آنها تردیدهای جدی درباره مسیر انتخاب شده در هر دو قسمت داخل و بیرون از زمین دارند.

بدهی سنگین بیش از ۱,۳ میلیارد یورویی نیز معضل بزرگی به حساب می‌آید اما دیدن این که باشگاه ایمانش را به چیزی که باعث شده بود بسیار خاص باشد، از دست داده برای بسیار دردناک‌تر از این است. این تیم نه تنها دیگر قادر به رقابت با تیم‌های برتر اروپایی نیست، بلکه در خطر از دست دادن هویت خاص خود نیز قرار دارد.

سرخی سامپر، هافبک سابق بارسلونا، به اتلتیک می‌گوید:" من همیشه به یاد دارم که گواردیولا می‌گفت ادامه این سبک وقتی بارسا قهرمان و پیروز است، بسیار آسان است. اما وقتی نتایج بد به دست بیاید، در آن زمان است که باید ببینیم آیا واقعا به این سبک بازی باور داریم یا خیر. من در حال حاضر در باشگاه حضور ندارم اما از چیزهایی که از بیرون می‌بینم مشخص است که ایده خاص باشگاه تا حدی از دست رفته است.

ایده سبک بازی، ایده مربیگری در سیستم جوانان، تغییرات زیادی صورت گرفته است- مدیران جدید هم جز این بخش هستند. این یعنی هویت ما، دی‌ان‌ای ما، شیوه فهمی که ما از فوتبال داشتیم از بین رفته است."

اگر از هر کسی که بارسلونا را می‌شناسد درباره ایده اصلی و فلسفه باشگاه بپرسید، همیشه یک نام به میان می‌آید. این باشگاه کاتالان تعهد بسیاری به پرورش بازیکنان جوان داشت و دهه‌ها استعداد را به فیزیک بدنی ترجیح می‌داد اما در طول دوران مربیگری یوهان کرویف از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۶ بود که این رابطه تیم جوانان و تیم بزرگسالان بسیار قدرتمند و نزدیک شد.

ژاوی روکا جوانی بومی بود که در آن زمان در بارسلونا رشد کرد و با یوردی کرویف، پسر یوهان، در تیم‌های جوانان باشگاه هم‌بازی بود. روکا می‌گوید:" یوهان فقط بازی‌های ما را نگاه نمی‌کرد، بلکه بعضی از جلسات تمرینی را نیز اداره می‌کرد. او حتی می‌آمد و با ما بازی می‌کرد تا قواعد یا ایده‌های که می‌خواست یاد بگیریم را به ما نشان داده باشد. وقتی کاپیتان بارسای B بودم، گاهی بازیکنان تیم اول با ما تمرین می‌کردند، شاید زمانی که در حال درمان مصدومیت بودند یا فرصتی برای بازی به آنها نرسیده بود. حتی روزی را به یادم دارم که رومواریو دیرهنگام به جلسه تمرینی ما رسید."

این رابطه نزدیک بین تیم‌های جوانان و تیم بزرگسالان تحت هدایت سرمربی‌های بعدی مانند لویی فن‌خال، فرانک رایکارد و مشخصا ادامه پیدا کرد- گواردیولا حتی به سرخی روبرتوی ۱۹ ساله برای اولین بار در دیدار ال‌کلاسیکو برابر رئال مادرید در برنابئو و در مسابقات لیگ قهرمانان اروپا بازی داد.

بازیکن دیگری که در نوجوانی از سوی گواردیولا برای تمرین با فوق ستاره‌ها دعوت شد، سامپر بود که در ۱۸ سالگی هر روز با لیونل مسی، ژاوی، آندرس اینیستا و دیگر بازیکنان تمرین می‌کرد. او می‌گوید که ترک تیم جوانان و برداشتن یک گام رو به جلو چندان دشوار نبود چون یک دهه برای انجام این کار آماده شده بود.

از زمان کرویف، تمامی تیم‌های حاضر در باشگاه با استفاده از فلسفه "خونگو دِ پوسیسیون" (Juego de posicion) تمرین می‌کردند. تمامی تمرینات که در جلسات مورد استفاده قرار می‌گرفت کاملا مشابه بود، چه بازیکنی هشت ساله بودید که تازه به این تیم وارد شده و چه بازیکن حرفه‌ای بزرگسال که قهرمانی جام جهانی را در کارنامه دارد.

سامپر می‌گوید: "این برای من یک رویا بود، من از وقتی بسیار کودک بودم به نوکمپ می‌رفتم تا بازی‌ها را ببینم- من مانند تمام اعضای خانواده عضو باشگاه بودم. اما شرایط طوری برایم پیش رفت انگار این اتفاق عادی بود- برای سال‌های طولانی، تیم اول پر از بازیکنانی از لاماسیا بود، بسیاری از آنها وقتی بسیار جوان بودند برای تمرین به تیم اول رفتند. جلسات تمرینی مشابه بود، سبک بازی یکسان بود- از وقتی شما بسیار کوچک بودید تا زمانی که به تیم اول می‌رسیدید.

از روی حافظه می‌دانستید که هم تیمی‌های‌تان کجا جاگیری می‌کنند. این سیستم ۳-۳-۴ از وقتی شما کوچک بودید به تنها سیستم و سبکی غیرقابل تغییر تبدیل می‌شد.

بنابراین شما عملا بدون فکر کردن بازی می‌کردید. مشخصا سختی و فشارهای بیشتری وجود داشت، چون می‌دانستید که تمام جهان در حال تماشای شما هستند. اما سبک بازی تغییر نمی‌کرد و شما باید کاری را انجام می‌دادید که همیشه انجام داده بودید."

زندگی حرفه‌ای سامپر آنطور که انتظار داشت پیش نرفت- او هنوز ۲۶ سال دارد اما در کنار اینیستا در ویسل کوبه ژاپن بازی می‌کند، چرا که مصدومیتی جدی مانع از پیشرفت او شد.

او تنها یکی از محصولات نسل بااستعداد لاماسیا بود که در آستانه فتح لیگ سگوندای اسپانیا در فصل ۱۴-۲۰۱۳ تحت هدایت اوزه‌بیو ساکریستان، هم تیمی سابق گواردیولا، قرار داشتند. اما هیچ یک از بازیکنان آن تیم- شامل ساندرو رامیز، مهاجم فعلی ختافه، سرخی گومز، مدافع اسپانیول، یا جوردی ماسیپ که دروازه‌بان وایادولید است- نتوانستند راهی به تیم بزرگسالان بارسلونا پیدا کنند.

سامپر می‌گوید: "آن فصل که توانستیم با بازیکنان بسیار جوان در سگوندای A سوم شویم، بسیار درخشان بود. ما این احساس را داشتیم که بسیاری از ما در آینده به تیم اول راه پیدا خواهیم کرد. اما تیم اول در آن زمان در سطحی باورنکردنی قرار داشت- بهترین بازیکنان دنیا در اوج دوران حرفه‌ای خود بودند. بنابراین مسیر ما بسته بود."

بارسلونا در آن زمان تیم اولی فوق العاده داشت و در تابستان ۲۰۱۴ نیز بازیکنانی چون لوییس سوارز، مارک آندره تراشتگن و ایوان راکیتیچ را به جمع بازیکنانش اضافه کرد. آنها با حضور لوییز انریکه روی نیمکت موفق شدند در فصل بعدی فاتح سه‌گانه لیگ قهرمانان، لالیگا و کوپا دل ری شوند.

جذب چنین فوق ستاره‌های بین المللی همیشه بخش دیگری از دی ان ای بارسلونا بوده است- از خود کرویف تا دیه‌گو مارادونا و رونالد کومان و هریستو استویچکوف در تیم رویایی ۱۹۹۲ و رونالدینیو در تیم قهرمان رایکارد در لیگ قهرمانان ۲۰۰۵. حتی تیم گواردیولا هم دنی آلوز و خاویر ماسکرانو را در اختیار داشت.

اتفاق دردسرسازتر برای کسانی که به سیستم جوان پروری باشگاه اعتقاد داشتند نیز جذب سایر بازیکنان متوسط یا حتی سطح پایینی مانند آندره گومز، پاکو آلکاسر، الکس ویدال، پائولینیو، یری مینا یا داگلاس بود. این بازیکنان گاهی در درک نیازهای محیط تاکتیکی خاص بارسلونا هم مشکل داشتند، در حالی که راه حضور بازیکنان جوان‌تر که برای بازی در همین سیستم آماده شده بودند توسط تازه‌واردها بسته می‌شد.

سامپر می‌گوید:" البته که این یک مانع بود. آنها نیاز دارند از دیگر تیم‌ها خرید کنند چون بارسا بهترین تیم دنیاست و هدفش قهرمانی در تمامی رقابت‌ها است. اما باید بازیکنانی را بخرد که بتوانند تاثیرگذار باشند، در حالی که بازیکنان ذخیره همیشه باید افرادی باشند که در خانه رشد کرده‌اند.

گاهی خریدهایی صورت می‌گرفت که کمکی به پیشرفت تیم نمی‌کرد. بسیاری از بازیکنان آکادمی بودند اگر فرصتی به آنها داده می‌شد توانایی‌های بسیاری داشتند. زمانی که تیم از بازیکنان آکادمی استفاده می‌کرد بهترین نتایج به دست می‌آمد."

در حالی که بیش از ۸۰۰ میلیون یورو برای جذب بازیکنان جدیدی هزینه شد که باعث بهبود شرایط ترکیب اصلی نشدند، حتی یکی از بازیکنان رشد کرده در لاماسیا نتوانست در فاصله حضور سرخی روبرتو در تیم در سال ۲۰۱۱ تا حضور آنسو فاتی در تیم در سال ۲۰۱۹ به تیم اول راه پیدا کند. کسانی که در طول این مدت در سیستم جوانان بارسلونا مشغول به کار بودند منکر این قضیه هستند که چنین اتفاقی به این دلیل رخ داد که هیچ بازیکن با استعدادی در این سیستم رشد نکرده بود.

فرانسیسکو خاویر گارسیا پیمینتا این موضوع را بهتر از هر کس دیگری می‌داند- او بازیکن جوان بومی بود که در این آکادمی رشد کرد و اولین بازی خود را در اواسط دهه ۱۹۹۰ تحت هدایت کرویف انجام داد، سپس در رده‌های مختلف در لاماسیا مربیگری کرد و از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ هدایت بارسلونای B را برعهده داشت.

گارسیا پیمینتا به اتلتیک می‌گوید:" نسلی که در سال ۹۶-۱۹۹۵ به دنیا آمده و در سال ۲۰۱۴ قهرمان لیگ جوانان یوفا شد، نسل بسیار خوبی بود. و هیچ یک از این بازیکنان به تیم اول نرسیدند- تنها کسی که بیشتر از چند بازی انجام داد منیر الحدادی (بازیکن فعلی سویا) بود. من هدایت نسل ۲۰۰۰-۱۹۹۹ را برعهده داشتم و ما سه سال بعد باز هم قهرمان لیگ جوانان یوفا شدیم. بسیاری از این بازیکنان می‌توانستند به تیم اول راه پیدا کنند."

هم نسل‌های الحدادی در سیستم جوانان شامل آداما ترائوره، وینگر ولورهمپتون، به همراه آندره اونانا، دروازه‌بان آژاکس، هستند. از تیم قهرمان اروپای گارسیا پیمینتا در سال ۲۰۱۸، ریکی پوچ، اینیاکی پنیا (دروازه‌بان) و اوسکار مینگِسا هنوز در بارسلونا حضور دارند. دیگر بازیکنان در سراسر لیگ‌های معتبر اروپایی پراکنده شدند- شامل خوان میراندا، هافبک چپ رئال بتیس، کارلس پرز، وینگر رم، آبل روئیز، مهاجم براگای پرتغال، متئو موری، مدافع راست بروسیا دورتموند، و مونچو که در گرانادا در خط هافبک به میدان می‌رود.

گارسیا پیمینتا می‌گوید:" آنها همه بازیکنانی بودند که کیفیت کافی برای حضور در تیم اول را داشتند اما گاهی چیزی که کم بود، اعتماد باشگاه به این بازیکنان بود؛ این که مربی تیم اول واقعا روی آنها حساب کند. بنابراین به جای جذب بازیکن از دیگر تیم‌ها، شانسی به مونچو یا میراندا یا سایر بازیکنان بارسای B داده می‌شد. آنها کیفیت خوبی داشتند و این را نشان داده بودند."

برای بسیاری از افراد خارج از خانواده بارسلونا و کسانی که حالا در داخل باشگاه هستند، این ایده که همه این بازیکنان حالا در ژاپن یا ولوز، رم یا ختافه بازی می‌کنند، گواهی بر این باور است که آنها هرگز به اندازه‌ای که مورد نیاز بارسا بود، خوب نبودند.

اما برای کسانی که واقعا به ایده کرویف باور دارند، صرفا چون الحدادی یا سرخی گومز (یا ستارگان دیگر نسل‌ها مانند رافینیا، مارک بارترا یا مارک مونیه‌سا) به بازیکنان بسیار درخشانی تبدیل نشدند به این معنا نیست که آنها نمی‌توانستند در نوکمپ نیز به بازیکنان کلیدی تیم تبدیل شوند.

این موضوع هم به شرایط خاص این باشگاه مربوط است- بازیکنان جوان نوظهور وارد ترکیب تیم اول و سبک بازی می‌شوند که سال‌ها برای آن آماده شده بودند. این حمایت و نزدیکی یعنی آنها می‌توانند عملکردی بهتر از هر جای دیگری داشته باشند اما در عین حال به این معنا نیز هست که وقتی آنها به باشگاه دیگری می‌روند و با خواسته بازی در سیستمی کامل متفاوت روبرو می‌شوند، باید بار دیگر خودشان را با شرایط سازگار کنند و ممکن است آسیب ببینند.

افرادی زیادی نیستند که بهتر از آلبرت پوچ با سیستم جوانان بارسلونا آشنا باشند؛ مردی که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ در این سیستم کار کرد و از نقش استعدادیابی به مدیریت آکادمی رسید. پوچ یکی دیگر از کسانی است که قویا باور دارد که این شرایط خاص در بارسلونا یعنی بازیکنان جوان باید موقعیت بیشتری نسبت به سایر باشگاه‌ها داشته باشند- و حتی معتقد است بعضی از بازیکنان قهرمان لیگ قهرمانان نمی‌توانستند به بازیکنان افسانه‌ای تبدیل شوند اگر موقعیت مناسب در فرصت مناسب به آنها داده نمی‌شد.

پوچ در پاسخ به سوالی درباره فاصله هشت ساله بین حضور روبرتو تا حضور فاتی می‌گوید:" شما باید نگاه کنید و بپرسید که آیا آنها به دلیل کمبود استعداد در تیم اول حضور پیدا نکردند یا به این دلیل که موقعیت کافی در اختیارشان قرار نگرفت.

ژاوی، مسی و اینیستا استعدادهای بزرگی بودند اما بازیکنانی چون بوسکتس، پویول و یوردی آلبا ممکن بود بدون داشتن موقعیت و اعتماد به نفس به بالاترین سطوح نرسند. استعداد وجود دارد اما داشتن موقعیت نیز لازم است. از زمانی که پپ جدا شد، بارسا فرصت زیادی به بازیکنان جوان نداده است."

یکی از ناظران غیربارسلونایی نیز به این موضوع باور دارد. لئوناردو بونوچی، مدافع تیم ملی ایتالیا و یوونتوس، در گفتگوی هفته گذشته با اتلتیک به این موضوع اشاره کرد. بونوچی گفت: "بارسلونا به آن شکل قهرمان می‌شد چون این تاریخ بارسلونا از زمان یوهان کرویف بوده است. گواردیولا بازیکنان بسیاری را از آکادمی بارسلونا به تیم اول آورد که هیچکس چیزی درباره آنها نمی‌دانست. او سه یا چهار بازیکن تراز اول داشت و شروع به آموختن ایده‌هایش به تعدادی از بازیکنان آکادمی کرد که کیفیت کافی را داشتند اما بازیکنانی بزرگ نبودند. آنها در طول زمان به بازیکنانی بزرگ تبدیل شدند."

آن نسل فوق‌العاده حالا تقریبا به پایان راه رسیده است- با جدایی مسی در تابستان گذشته. در طول مدیریت ساندرو روسل و جوزپ ماریا بارتومئو، هدف بارسلونا جذب بازیکنان جدید تراز اول برای جانشینی اسطوره‌های جدا شده بود که در نهایت به موفقیت نرسید.

ادامه در شماره بعد...

اخبار

تصمیم مهم برای تبدیل شدن به نقش اول

رونالدو، بهترین الگوی امباپه برای درخشش در رئال

در میان تمامی بحث‌ها درباره تلاش پاری سن ژرمن برای متقاعد کردن امباپه به امضای قرارداد جدید با این باشگاه به جای پیوستن به رئال مادرید، فقط بحث پول مطرح نیست. این تیم فرانسوی در حال حاضر یکی از قوی‌ترین تیم‌های اروپایی را در اختیار دارد و به نسبت شرایط رئال در حال حاضر، گزینه محتمل‌تری برای قهرمانی در لیگ قهرمانان است.

نباید این واقعیت را نیز از یاد برد که پی اس جی در سال‌های اخیر در اروپا عملکرد بهتری داشته است: آنها در فصل ۲۰-۲۰۱۹ به فینال رسیدند اما در برابر بایرن شکست خوردند و در فصل ۲۱-۲۰۲۰ نیز در نیمه نهایی حضور داشتند. در این فصل رئال نیز در آستانه صعود به فینال بود اما آنها در فصل پیش از آن در مرحله یک هشتم حذف شده بودند.

اگر از این منظر به قضیه نگاه کنیم، پی اس جی در حال حاضر شرایط بهتری دارد و گزینه بهتری برای رقابت در لیگ قهرمانان به حساب می‌آید. آنها در کنار منچسترسیتی و بایرن مونیخ‌دیکی از مدعیان اصلی قهرمانی در فصل جاری هستند. این در حالی است که رئال در این فهرست در رده هفتم قرار گرفته که تقریبا هم رده با یوونتوسی است که این روزها شرایط خوبی را پشت سر نمی‌گذارد.

اما به نظر نمی‌رسد که این واقعیت تاثیر چندانی روی امباپه داشته باشد. مادر این بازیکن نیز چند روز قبل مدعی شده بود:« چهار سال پیش، رئال جذاب‌تر از پی اس جی بود اما ما آنها را انتخاب کردیم. میلیان در این تابستان خودش انتخاب کرد که به رئال برود تا به رویاش جامه عمل بپوشاند. اگر کیلیان به همراه سه یا چهار بازیکن دیگر به رئال ملحق شود، این تیم دیگر تیم سابق نخواهد بود. کیلیان می‌خواهد در مرکز یک پروژه ورزشی باشد. او به چالش‌های مداوم احتیاج دارد.»

و امباپه همچنین از کریستیانو رونالدو، الگوی قدیمی خود، الهام می‌گیرد.

بیاید به خاطر بیاوریم: کریستیانو در سال ۲۰۰۹ از منچستریونایتد به رئال مادرید ملحق شد، در آن زمان رئال ۹ قهرمانی در اروپا داشت و منچستریونایتد سه قهرمانی. اما شرایط در آن بازه زمانی متفاوت بود. رئال مادرید پنج فصل در مرحله یک هشتم حذف شده بود اما یونایتد در فصل ۰۷-۲۰۰۶ در نیمه نهایی حضور داشت، قهرمان فصل ۰۸-۲۰۰۷ بود و در فصل ۰۹-۲۰۰۸ نیز نایب قهرمان شده بود.

رونالدو در فصل اول حضورش نیز چندان موفق نبود و آنها بار دیگر در مرحله یک هشتم برابر لیون حذف شدند اما زمان نشان داد که او بهترین تصمیم را گرفته است. این فوق ستاره پرتغالی ۹ سال با پیراهن رئال مادرید به میدان رفت و چهار قهرمانی لیگ قهرمانان به دست آورد و چهار سال دیگر نیز در نیمه نهایی حضور داشت.

در واقع کریستیانو به برنابئو رفت تا به مرکز اصلی پروژه ورزشی رئال تبدیل شود و با این که کمی دیر جواب گرفت اما در نهایت ثمره تصمیمش را با ثبت چهار قهرمانی در اروپا در کارنامه‌اش دید.

در آن زمان رئال مادرید بازیکنان درخشان بسیاری مانند بنزما، کاکا، ژابی آلونسو، دی‌ماریا، اوزیل، بیل، ایسکو، کروس، مودریچ، کاسمیرو و موراتا را در اطراف رونالدو قرار داده بود و این انتظاری است که امباپه نیز دارد. او می‌داند که اگر به این تیم ملحق شود به خورشیدی تبدیل خواهد شد که سایر ستاره‌های آسمان رئال باید در اطراف او به حرکت دربیایند.

این خواسته‌ای بود که او در تمام این سال‌ها در پاریس داشت اما پاری سن ژرمن درست در جهت عکس حرکت کرد. آنها قرارداد نیمار را تمدید کردند و لیونل مسی را به خدمت گرفتند تا امباپه از نظر اهمیت به رده سوم سقوط کند.

امباپه با گل‌های کریستیانو در رئال مادرید بزرگ شد و عکس‌های این بازیکن بر دیوار اتاقش شاهدی بر همین ماجرا است. با انتقال او به رئال در تابستان سال آینده، در واقع رونالدو به آینه‌ای تبدیل خواهد شد که این مهاجم فرانسوی می‌خواهد خودش را در آن ببیند.

بازگشت به اسپانیا در هیئت ستاره رسانه‌ای

لینه‌کر به کمک لالیگا می‌شتابد

گری لینه‌کر با دو استعداد ذاتی متولد شد. اول استعدادی استثنایی برای چسباندن توپ‌ها به تور دروازه که باعث شد او به بهترین گلزن جام جهانی ۱۹۸۶ تبدیل شود و در همان تابستان به عنوان چهره‌ای بین المللی به بارسلونا بپیوندد.

دومی استعدادی ذاتی در زمینه گزارش‌های داغ و جذاب که باعث شد او به یکی از معروف‌ترین مجری‌های تلویزیون بریتانیا تبدیل شده و بار دیگر به عنوان یک ستاره اما این بار در عرصه رسانه به فوتبال اسپانیا برگردد.

این مرد انگلیسی به تازگی به عنوان سفیر لالیگا انتخاب شد و اولین فصل حضورش به عنوان مجری و مفسر در لالیگا تی وی را آغاز کرده، کانال تلویزیونی که دو سال پیش در انگلیس و ایرلند راه‌اندازی شد و به پخش زنده مسابقات و برنامه‌های ۲۴ ساعته مربوط به فوتبال اختصاص دارد. او حالا یک خرید جذاب رسانه‌ای است.

شخصیت‌های کمی مانند لینه‌کر توانسته‌اند به اندازه موفقیت در زمین، روی صحنه نیز موفق باشند. او از قرار گرفتن در جایگاه سومین گلزن برتر تاریخ تیم ملی انگلیس به مجری تبدیل شده که بیشتر از هر فرد دیگری اجرای برنامه Match Of The Day را برعهده داشته است. این برنامه ورزشی شبکه بی بی سی یکی از قدیمی‌ترین برنامه‌های ورزشی است که از سال ۱۹۹۹ پخش شده است. هرچند او مدعی است که اوایل دورانش چندان خوب نبوده اما واقعیت این است که او حالا در دوران اوجش قرار دارد و طعنه‌های فوق العاده‌ای را به کار می‌گیرد که به گفته خودش از پدری به ارث برده که تمام روز «مانند یک بریتانیایی واقعی» در حال خنده بوده است و همین ویژگی او را به قهرمانی تبدیل کرده که میکروفونی در دست دارد.

معروف‌ترین طعنه او شاید همان جمله‌ای باشد که او در ورزشگاه دل آلپی در تورین از آن استفاده کرد. او پس از شکست در نیمه نهایی جام جهانی ۱۹۹۰ برابر آلمان گفت: «فوتبال ورزش ساده‌ای است: ۲۲ مرد به مدت ۹۰ دقیقه دنبال یک توپ می‌دوند و در آخر آلمان همیشه پیروز می‌شود.»او در این باره گفت: «من در زمان رشد تلویزیون به آن پیوستم. من می‌خواستم متفاوت باشم و شوخ طبعی را به تلویزیون اضافه کنم. این که بگویم این بازیکن خوب بازی کرد و آن بازیکن خوب نبود از نظر من کسل کننده به نظر می‌رسید. من در برابر دوربین‌ها آرام‌تر هستم و لحظات بهتری را سپری می‌کنم. در عین حال حتی اگر اشتباه کنم هم برای کسی اهمیت ندارد. این شبیه به کار قبلی‌ام نیست که از دست دادن یک پنالتی روی زندگی مردم تاثیرگذار باشد. البته هیچ چیز با احساس گلزنی در دیداری مهم قابل مقایسه نیست.»

او علاوه بر ارزش و انرژی بیش از حدی که دارد، حالا در تلویزیون، رادیو و رسانه‌های نوشتاری کار می‌کند و علاوه بر این، صفحه توییترش هشت میلیون دنبال کننده دارد و گاهی تیتر رسانه‌ها بیشتر از اتفاقات داخل زمین، به اظهارات او در صفحه توییترش اختصاص دارد.

او می‌گوید که امضای قراردادش با لالیگا بسیار ساده بوده است. راجر بروسل، مدیر تولید محتوا و برنامه‌ریزی این سازمان، در این باره می‌گوید: «ما مدت‌هاست در ارتباط هستیم و همه چیز خیلی آسان بود. مدت‌ها بود که او علاقه زیادی به امضای قرارداد داشت چون یکی از بزرگترین هواداران فوتبال اسپانیاست و رابطه خوبی با بارسا دارد. این اتفاق برای ما هم حرکت رو به جلوی مهمی بود تا کسی را داشته باشیم که از محبوبیت رسانه‌ای و اطلاعات فوتبالی او برخوردار است.»

این شخصیت محبوب با فروتنی خاصی می‌گوید که فقط افراد مسن‌تر در بارسلونا او را به خاطر دارند. مردمی با سن خاص که هنوز کسی که قهرمان شهر در شب ۳۱ ژانویه ۱۹۸۷ بود را می‌شناسند، شبی که او در نوکمپ سه گل برابر رئال مادرید به ثمر رساند.

اما شبی وجود ندارد که ۳۲ سال پس از جدایی از بارسایی که او در آن ۵۲ گل به ثمر رساند، این «مکان فوق العاده» هنوز تاثیر خودش روی او را دارد. لینه‌کر که سه فصل حضورش در نوکمپ کافی بود تا به خوبی اسپانیایی حرف بزند می‌گوید: «من دوستان زیادی در آنجا دارم و مردم همیشه با من بسیار مهربان هستند.»

این بازیکن سابق بارسا که دو توپ نقره‌ای و برنزی در ویترین افتخاراتش دارد چرا که در دهه ۱۹۸۰ ۱۹۹۰ موفق شد به عنوان دومین و سومین بازیکن برتر اروپا انتخاب شود، از ماه سپتامبر با چند نفر از فوبالیست‌های درخشان سابق روی صحنه می‌رود. آلبرت چاپی فرر، آیتور کارانکا، گوستاو پویت یا گایزکا مندیتا، نام‌هایی هستند که تجربه حضور در اسپانیا و انگلیس را داشته‌اند و او در پخش مسابقات لالیگا و برنامه‌های تحلیلی تهیه شده به زبان انگلیسی از استودیو مدیاپرو در بارسلونا با آنها همکاری دارد.

این ستاره تلویزیون از این که جو دوستانه رختکن را بار دیگر با چنین همکاران خوبی تجربه می‌کند خوشحال است و پیش بینی می‌کند که هیجان بسیاری در طول فصل جاری در پیش خواهد بود. او می‌گوید: «تعداد زیادی از بازیکنان جوان بسیار جذاب و دلگرم کننده هستند. بازیکنانی چون پدری، والورده و فرنکی دی یونگ. من فکر می‌کنم آنها ترکیب بسیار خوبی با بازیکنان باتجربه‌تر هستند. این رقابتی است که استعداد بسیاری در آن جریان دارد.

به دلیل مصدومیت؛

کاپیتان تیم ملی فوتبال لبنان بازی با ایران را از دست داد

حسن معتوق کاپیتان تیم ملی فوتبال لبنان بازی با تیم ملی ایران را در رقابت‌های انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ از دست داد.

بازی رفت تیم‌های ملی فوتبال ایران و لبنان در مرحله سوم انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر روز ۲۰ آبان برگزار می‌شود.

رسانه‌های لبنان خبر دادند «حسن معتوق» مهاجم و کاپیتان لبنان به دلیل آسیب دیدگی به بازی با ایران و سپس دیدار با امارات نمی‌رسد.

معتوق در جریان بازی تیمش الانصار با تیم الاهلی در هفته چهارم لیگ لبنان آسیب دید و مستقیم به بیمارستان منتقل شد.

معتوق قرار است تحت عمل جراحی قرار بگیرد و به مدت ۶ هفته از میادین دور خواهد بود.

این بازیکن در دیدار قبلی لبنان مقابل سوریه که با برد ۳ بر ۲ لبنان همراه شد، یک گل به ثمر رساند.